

دانشگاه تهران

دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی

تحقیق پیرامون نقش مشوق در صنایع نساجی

پایان نامه فوق لیسانس

استاد راهنما، آقای دکتر پرویز کیقبادی

هیئت داوران

دکتر حسن ستاری

دکتر علیرضا بشارت

آقای دکتر پرویز کیقبادی

تهیه و تنظیم از: همایون ادیب دانشجوی فوق لیسانس

رشته علوم اداری دانشکده علوم اداری و مدیریت

بازرگانی .

تاریخ اسفندماه ۱۳۴۹

۱۱۳

این رساله در جلسه مورخ بیست و دوم اسفندماه ۱۳۴۹
هیئت رسیدگی، با درجه قابل قبول تصویب گردید

” فهرست مطالب ”

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۱	فصل اول - کلیات
۱	روش تحقیق
۶	سیرتاریخی صنعت نساجی کشور
	فصل دوم - تشویق
۱۷	تشویق بایستی بموقع انجام گیرد
۲۰	کارهای مفید افراد باید مورد توجه قرارگیرد
۲۲	تشویق اعتماد به نفس افراد را افزایش میدهد
۲۲	ضمن تشویق باید اشتباه افراد را برطرف کرد
۲۳	تشویق راههای مختلفی دارد
۲۴	آیا تعریف و تشویق آنها باعث غرور آنها میگردد
۲۶	تشویق نمائید نتیجه را بعدا آزمایش کنید
۲۷	راه تشویق افراد
۳۰	ایجاد علاقه
۳۸	روابط با کارگران
	فصل سوم - روابط با کارگران
۴۱	احتیاجات مادی
۴۲	احتیاجات معنوی
۴۷	موارد و مراحل ترغیب از نظر مدیریت

” فهرست مطالب ”

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۴۷	مراحلی که در اجرای روش واقع بینی باید طی شود
۴۹	روحیه کارمندان
۵۰	روحیه چیست ؟
۵۱	عوامل عمده روحیه
۵۲	ارتباط روحیه با قدرت کار
۵۲	رابطه روحیه با سایر خصوصیات
۵۴	سنجش روحیه کارمندان
۵۷	طبقه بندی موجبات تشویق کارگران
۵۸	وسایل تشویق مادی
۶۴	وسایل تشویق غیرمادی
۶۶	انضباط
۶۷	اعمال انضباطی
۶۸	ارزیابی پولی کار کارگران
۷۰	طرح کارمزدی تیلور
۷۳	طرح هالسی
۷۴	طرح صد درصد پاداش زمانی
۷۶	طرح بدو
۷۶	طرح روان

” فهرست مطالب ”

<u>صفحه</u>	<u>عنوان</u>
۷۷	طرح امرسن
۷۹	طرح وظیفه و یاداش گانت
۸۱	خدمات مورد نیاز کارگران
	فصل چهارم — مصاحبه و بحث درباره مشکلات صنایع ایران
۸۳	مسائل سازمانی
۸۴	صنایع ایران بیمار است
۸۵	د مپینگ دشمن صنایع ما
۸۶	ضعف مدیریت و تشکیلات
۸۷	مشکلات مدیریت
۸۸	مسئله طرح
۹۰	جهش صنایع ایران
۹۳	مصاحبه ها
۱۰۰	نتایج و پیشنهادات
۱۰۲	مآخذ و منابع

.....

فصل اول

کلیات

روش تحقیق :

- ۱ - مشکل مورد تحقیق . در این مورد عنوان پایان نامه (نقش مشوق در صنایع نساجی) میتواند موضوع یا مشکل مورد تحقیق را تشکیل دهد .
 - ۲ - ایجاد فرضیه یا فرضیه‌های علمی در زمینه علل ایجاد مشکل (حدس علمی) لازم است خاطر نشان نمود که همانند نبودن اطلاعات مکتسبه تجربیات گذشته وراثت منافع موجود میتواند اثرات متغیر و گوناگونی را بر روی موضوع مورد بررسی و تحقیق بگذراند . بدین دلیل سعی میگردد ، تا حد امکان و مقدرات موجود ، به ایجاد فرضیه یا فرضیه‌هایی مبادرت شوند .
- فرضیه‌های مورد تحقیق را بشرح زیر ارائه مینماید :
- الف - عدم توجه به اصول روابط انسانی در مورد کارگران نساجی .
 - ب - مد نظر قرار دادن اصول مدیریت علمی و تلفیق و انطباق آن با اصول روابط انسانی درباره کارگران نساجی .

ج - عدم درك شخصیت و عزت نفس کارگران نساچ و مد نظر قرار ندادن

احتیاجات و خواستهای آنان .

د - نداشتن آموزش کافی در کلیه سطوح صنعت نساچی .

۳ - انتخاب فرضیه اهم

تصور می‌رود " ب " قابل تعمق و تجزیه و تحلیل بیشتری باشد از اینرو آنرا

به عنوان فرضیه اهم مورد بررسی قرار می‌دهم .

برای گردآوری اطلاعات هم از منابع دست اولی مانند مصاحبه و مشاهده

استفاده شد و هم به منابع دست دومی مانند کتاب و مجلات مراجعه گردید .

از کتب و جزوات استادان محترم دانشگاه علوم اداری و مدیریت بازرگانی و

همچنین از مجلات اطاق صنایع و معادن ایران در این مورد استفاده گردیده است

که صورت تمامی آنها در فهرست منابع و مآخذ ذکر گردیده است .

ه - طبقه بندی اطلاعات جمع آوری شده .

هر چند که استفاده از قانون اختلاف در کاملترین وجه آن که دو قبل و دو

بعد باشد ، بیش از هر شیوه دیگر بررسی شمر بخش تواند بود ، ولی بععلی از -

قبیل محدودیت فرصت زمانی، فقدان اختیار اعمال نظرات در کارخانجات نساجی و غیره، انصراف از توسل به آنرا الزامی نمود و لاجرم شیوه دو بعد در پیش گرفته شد.

۶ - تجزیه و تحلیل اطلاعات طبقه بندی شده.

در این باره باید فرضیه اهم را که در اینجا مد نظر قرار ندان اصول مدیریت علمی و تلفیق و انطباق آن با اصول روابط انسانی درباره کارگران نساج مییاشد مورد امعان نظر قرار داد.

از فرضیه‌های ذکر شده بنظر میرسد فرضیه "ب" میتواند کلی تر و با -

احتمال بیشتری این بررسی را به ثمر برساند و لذا همان، مورد بررسی قرار داده میشود.

۷ - اخذ نتیجه

سعی خواهد شد نقش مشوق در صنایع نساجی را با چندین پیشنهاد و راه

حل ارائه و مراتب تقدم و تاخر آنرا بعرض برساند، زیرا افراد بطور کلی دارای

سلیقه‌های گوناگونی (۱) بوده که معکست با سلیقه افراد دیگر تفاوت فاحش

داشته و قابل تطبیق نباشد. برای اینکه نتیجه مشر ثمر باشد از جانب حزم راه

۱ - علیرضا بشارت، تجزیه و تحلیل اداری، تهران، دانشکده علوم

اداری و مدیریت بازرگانی.

احتیاط را در پیش گرفته و راه حل‌های متنوع و گوناگونی را با در نظر گرفتن

• موقعیت و زمان و امکانات صنایع نساجی در ایران پیشنهاد خواهند نمود .

• امید است مورد قبول استادان گرامی واقع شود .

لازم است به عرض استاد گرامی برساند .

از آنجا که اصولا تحقیقات علمی (۲) ایجاب میکند که مشاغل و مشکل

مورد مطالعه تا آنجا که میسر است محدود و مشخص گردد تا :

اولا : مغز آدمی آنرا درک کند .

ثانیا : آنرا بخوبی حل‌اجی نماید .

ثالثا : بتواند آنرا کاملا توجیه و تبیین نماید .

نمیتوان موضوع بررسی نقش مشوق در صنایع نساجی را بطور محدود و مشخص

حل‌اجی و توجیه کرد ، زیرا معلوم نیست که آیا منظور مشوق مادی است یا مشوق

معنوی . در ثانی ، صنایع نساجی منقسم به تقسیماتی مانند : پنبه پالک ، کنسی -

پشم شویی - باندگی - ریسندگی و رنگریزی و غیره است . بالاخره روشن

۲ - امیر هوشنگ مهر آسا ، تحقیق و مآخذ شناسی ، تهران ، دانشکده

علوم اداری و مدیریت بازرگانی ، ص ۶۰ .

نیست که می‌خواهیم عامل مشوق را در کدامیک از سطوح سلسله مراتب مورد مذاقه

و بررسی قرار بدیم . آیا در مورد کارگران نساج باید بررسی پرداخت ؟

آیا تکسین ها مطمح نظرند ؟ آیا مهندسین باید مورد مطالعه قرار گیرند ؟

بناءً علیهذا به دلائل مذکور ، در این تحقیق جنبه کلی مسئله مورد توجه

قرار داده شده است .

.....

سیر تاریخی صنعت نساجی کشور

مسائل مربوط به صنعت نساجی که بعد از صنعت نفت یکی از بزرگترین صنایع مملکت است درخور همه گونه مطالعه و امعان نظر چه از طرف صاحبان صنایع و چه از نظر متخصصین فن و چه بمنظور اجرای هدف اساسی اطاق صنایع و معادن میباشد .

برای اینکه زمینه جهت طرح این بحث آماده گردد بهتر بنظر میرسد که قبلا وضع موجود و سابقه صنعت نساجی کشور بررسی گردد و نتایج لازم گرفته شود . گرچه سوابق ریسنندگی و بافندگی در ایران مربوط به زمان بسیار قدیم است ولی بحث ما در مورد صنعت نساجی از نظر صنعت ماشین جدید است که اولین کارخانه آن توسط مرحوم صنایع الدوله با ۱۲۰۰ دواک ریسنندگی در تهران بکار افتاد که فعلا تعطیل میباشد .

صنعت نساجی (۳) از بدو شروع آن تا این تاریخ سه دوره مشخص زیر را گذرانده است :

۱ - ابتدای کار تا سال ۱۳۲۰ که جنگ جهانی دوم به کشور ایران سرایت

کرده است .

۳ - علی اکبر سبحانی ، صنعت نساجی کشور ، مجله اطاق صنایع و معادن

ایران ، تهران ، شماره ششم ، ۱۳۴۳ ، ص ۳۹ - ۴۷ .

۲ - از سال ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۶ که دولت با گذراندن قانون پشتوانه اسکناس^س

به صنایع کمک کرده است .

۳ - از سال ۱۳۳۶ ببعد .

دوره اول - فعالیت صنعت نساجی را در این دوره بایستی گفت که

حقیقتا از صفر شروع شده است زیرا آنچه باین عنوان قبل از سلطنت رضاشاه کبیر

داشتیم قابل ذکر نبوده است ، سرمایه گذاری در این صنعت از دو بخش انجام

میگرفت ، یکی از طرف شخص رضا شاه کبیر که بنام سرمایه گذاری اختصاصی خواهیم

نامید و دیگری از طرف مردم . در این دوره از طرف دولت بهیچوجه سرمایه گذاری

نشده است و حق هم همین بوده است زیرا صنعت نساجی نه احتیاج به سرمایه

زیاد دارد نه به متخصص عالی مقام و نه احتمال ضرر میرود که دخالت دولت را

ایجاب نماید . و تنها برای دولت یک کار باقی میماند و آنهم هدایت و راهنمایی

بود . نداشتن تکسین لازم و کارگر آزموده و وسائل کار باوجودیکه حقا بایستی مانع

پیشرفت صنعت باشد ولی انیظور نبود و صنعت نساجی در این دوره توسعه کاملا

متناسبی یافت که مرهون هدایت و کنترل صحیح بود . چیزیکه بیش از همه

مشکلات دیگر قابل اهمیت بود تغییر دادن مسیر کار سرمایه دارانی بود که با

تعداد کارمندان کمی و در حجره کوچکی بتجارت مشغول بودند . شاید تصور

این اشکال که حالا به نسبت بسیار زیادی مرتفع شده است دشوار باشد و لسی
اگر طرز کار یک تاجر را بایک مدیر کارخانه مجسم نمائیم متوجه اشکال خواهیم شد و
مخصوصاً کشاندن تجاری که سالیان دراز مستقلاً به تجارت مشغول بوده اند و
منفرداً تصمیم میگرفته اند و اجرا میکردند به شرکتهای سهامی و هیأت مدیره و دسته
اجرا کنندگانی چون گروه کارگران کاری بسیار دشوار بود که نه تنها احتیاج مبرمی
به هدایت عاقلانه داشت بلکه یک مراقبت و کنترل بی گیران نیز ایجاب میکرد .
خوشبختانه مسئولین کشور در این دوره بتمام این نکات توجه کامل داشته اند
و ارکان مختلف تحت کنترل و رسیدگی دقیق و دائم بوده است . اکثر برنامه های
کارخانجات از طرف دولت پیشنهاد میشد و در انتخاب موسسین هر شرکت وقت کامل
بعمل میآمد و بطور کلی طرز سرمایه گذاری - مقدار سرمایه - طرح صنعت و نوع
ماشین آلات و تناسب آن - متخصصین - کارفرمایان - کارگران - دستمزد کارگران
- قیمت تمام شده کالا و قیمت فروش و بیلان ، سالیانه همگی مورد رسیدگی و کنترل
شدید و دقیق قرار میگرفتند و همین نظم و ترتیب باعث پیشرفت سریع این صنعت
در این دوره بود و همین هدایت و نظارت کامل صفت مشخصه این دوره میباشد
و رابط کارگر و کارفرما و روابط هیئت مدیره و دارندگان سهام کاملاً معین بود و صحت
و درستی بیلانهای منتشره و تناسب سود سهام سرمایه باعث گردید که سرمایه های

کوچک بکار افتاد و مقررات شرکتهای سهامی بمعنای کامل اجرا گردد و این بزرگترین اقدامی بود که شد، چه مردم و تاجران پولهای بیکار را وارد در صنعت کرده و باین ترتیب پیشرفت صنعت را در تمام رشتهها تسهیل میکرد و همین روشن بودن وضع سرمایه گذاری اهمیتی به اوراق سهام داد و بخصوص در شهر اصفهان که نساجی رونق بسزائی داشت بازار خرید و فروش سهام رواج یافت و مقدمات تشکیل یک بورس رسمی کاملاً فراهم بود.

دوره دوم - با سرایت جنگ جهانی دوم به کشور ما و کمی واردات قماش و سهمیه بندی مواد ضروری زندگی در دنیا قیمت تولیدات داخلی بسرعت رو بفرزونی گذاشت و بموازات آن هزینه زندگی بالا رفت. دولت برای جلوگیری از بالا رفتن قیمت تولیدات داخلی مقررات تثبیت قیمتها را وضع کرد و همچنین با تجدید نظر در قوانین مالیات بردرآمد سعی شد که از درآمد کارخانجات مالیات بیشتری اخذ گردد و درصد این مالیات که تصاعدی بود تا ۸۰ درصد بالا رفت.

کارفرمایان نه مایل بودند که فرآوردههای خود را با قیمتهای تثبیت شده که نسبت به بازار آزاد بسیار نازل بود بفروش برسانند و نه میخواستند از درآمد خود مالیاتی در حدود ۸۰ درصد بپردازند. برای فرار از قیمتهای تعیین شده از طرف

دولت تولیدات کارخانه را با واسطه به مدیران و صاحبان سهام بزرگ کارخانه میفروختند و برای رهائی از مالیات ۸۰٪ (مشهور به مالیات میلیپوئی) ارقام را در دفاتر کارخانه بصورت واقعی ثبت نمیکردند و بیلان کارخانجات سودی نشان نمیداد و در نتیجه بین مدیران و سهامداران بزرگ از یکطرف و بین آنها و سهامداران کوچک از طرف دیگر اختلاف بزرگی پیدا شد ، سهام کوچک بازار بهتری پیدا کرد و باقیمت‌های زیاد خریداری میشد و سهامداران بزرگ سعی کردند اکثریت سهام را بدست آورند و جزو مدیران کارخانه گردند .

کارگران هم از جهت تقاضای دستمزد بیشتر و هم به سبب اید هائولس‌ری های جدیدی که با جنگ وارد کشور شده بود با کارفرمایان اختلاف شدیدی پیدا کردند .

مأمورین دولت نیز برای اجرای قوانین تثبیت قیمت‌ها و اخذ مالیات بردرآمد دائما با صاحبان صنایع در کشمکش بودند . این اختلافات چند جانبه که هم جنبه‌های اقتصادی و هم جنبه‌های سیاسی داشت بطور کلی مفهوم هرگونه مشارکت در سرمایه و در مدیریت را از بین برد و نتیجه تمام این اختلافات بهزیان سهامداران کوچک و سرمایه‌گذاری تمام شد و به دوران ایجاد شرکت بمعنای واقعی آن که در دوره اول رونقی بسزا داشت خاتمه داد .

بعد از شهریور ۱۳۲۰ کارخانجات اختصاصی که متعلق به رضا شاه کبیر بود به دولت واگذار گردید و از این تاریخ است که صنایع نساجی دولتی تشکیل میشود .

متصدیان اداره این کارخانجات نیز منافسانه تحت تاثیر همان عواملی که بیان گردید و در این میان سود جویانی چند از تفاوت قیمت‌های تمام شده و فروش استفاده‌های کلانی کردند و دولت بجای اینکه پارچه و نخ را از طریق سهمیه‌بندی بمصرف کنند به فروش دسته جات مختلف سیاسی در کار تهیه و فروش دخالت کردند و پنبه دادند و پارچه گرفتند و برای دولت فقط مزدی ماند که به کارگران پرداخت گردید .

بعد از برقراری صلح در دنیا و اضافه شدن تولیدات احتیاجات اولیه کم‌کم واردات قماش روبغزونی گذاشت و قیمت فرآورد‌های داخلی کاسته شد و منافع سرشار کارخانجات از بین رفت .

کارخانجاتی که در دوران جنگ با حداکثر راندان ممکنه و زمان کار کرده بودند و بواسطه عدم تعویض قطعات یدکی فرسوده شده بودند احتیاج بمرمت زیادی داشتند و لازم بود که با یک برنامه صحیحی در آنها سرمایه‌گذاری شود ولی برعکس مدیران کارخانه ذخیره استهلاک و سرمایه تنخواه‌گردان کارخانه را بمرور از جریان

خارج کرده بودند و بخصوص در اثر اختلافاتی که بآنها اشاره شد از قدرت اداری مدیران بطور محسوسی کاسته شد و اعاده نظم صحیحی در روابط کارگر و کارفرما مشکل گردید و دوران بحران کارخانه داری از جهات مدیریت و کارگران و سرمایه در گردش و راندمان کار بوجود آمد که اکثرا تا پایان این دوره ادامه داشت و عدای از کارخانجات یا بطور موقت و یا دائم از کار افتادند .

نکته قابل توجه اینست که کارخانجات تاسیس شده در این دوره اکثر دارای مالکیت فردی است و با شرکت بین فامیل و یا بین چند نفر که سابقه آشنائی و اطمینان کامل بیکدیگر داشته‌اند درست شده است و شرکت سهامی با سهام کوچک و عرضه شده به بازار بوجود نیامده است .

دوره سوم - در تاریخ ۲۸ اردیبهشت ماه ۱۳۳۶ که قانون اصلاح قانون تشبیت پشتوانه اسکناس از تصویب گذشت و شروع میشود که بموجب آن قانون ۷۱۰۰ میلیون ریال در اختیار دولت قرار گرفت که فقط برای ترویج و تشویق فعالیتها ی تولیدی تخصیص داده شود و بموجب آئین نامه مورخ ۹/۷/۳۴ از اعتبار فوق ۳۵۰۰ میلیون ریال جهت اعطای وامهای صنعتی و معدنی منظور گردید .

مدت وام اعطائی بین ۲/۵ تا ۱۲ سال و بهره بین ۴ تا ۶ درصد تعیین گردید در مورد صنعت نساجی بعلت کمبود تولیدات داخلی به وزارت صنایع

و معادن اجازه داده شد که پس از رسیدگی به بدترین وضعی که نه مشرعر برای کارگران بود و نه مصرف کنندگان، کارخانجات را اداره کردند، طرحهای پیشنهادی و تصویب آن پرداخت و ام را مستقیماً به بانک ملی توصیه نماید. طبق آئین نامه‌ای که جهت اعطاء وام تنظیم گردید ۵۰٪ هزینه ریالی هر طرحی که بتصویب میرسد توصیه میشد که بانک ملی وام بدهد و بقیه هزینه طرح بایستی از طرف متقاضی تامین گردد.

از سال ۱۳۲۸ که صنعت نساجی دولتی بدست سازمان برنامه افتاد، طرحی جهت تکمیل و توسعه این صنعت تنظیم گردید که بموجب آن خرید و کارخانه بظرفیت هرکدام ۳، هزار دانه و هزار بافنده و قسمت تکمیل پارچه و همچنین ترمیم و تکمیل کارخانجات نساجی شاهی و چیت سازی بهشهر را در قسمت پنجه، پیش‌بینی میگردد و خرید یک کارخانه گونی بافی جهت تکمیل و توسعه گونی بافی قدیم شاهی منظور گردید که ظرفیت ۱۲ بافنده خود کار داشت. کارخانجات بافندگی پنجه را که سازمان در سال ۱۳۲۲ سفارش داده الگوی محاسبات آن کارخانه چیت سازی بهشهر (مجهزترین کارخانه آن زمان) بوده است، بدین ترتیب هم وزارت صنایع و معادن و هم سازمان برنامه آماده سرمایه گذاری در صنعت نساجی میشوند ولی متأسفانه اولاً — برنامه‌ای از طرف دولت برای نساجی تنظیم نشده بود

و احتیاجات کشور بهر يك از اقلام مختلفه قماش که تهیه آنها مستلزم داشتن ماشین آلات بخصوصی است پیش بینی نگردیده بود . ثانيا - در نحوه دادن قرض و کنترل کار بین سازمان برنامه که خود را عهد ه دار پیشرفت این صنعت میدانست و وزارت صنایع و معادن هیچگونه تماس و اشتراك مساعی نبوده است . ثالثا - تشریفات دادن وام باین صنعت از هر نوع صنعت دیگر سهلتر بود بهمین جهت مردم برای استفاده از این وام رغبت بیشتری نشان دادند و این خود باعث گردید که مطالعه کافی از طرف مردم وام گیرنده نیز شود و برنامه های پیشنهادی و طرحها اکثرا کپی از یکدیگر و کپی از کارخانه چیت سازی به شهر گردید در همان موقع که دولت تصمیم گرفت از محل تفاوت ارزیابی به صنایع کمک نماید دول تولید کننده ماشین آلات نساجی سعی کردند بازار ایران را بدست آورند و اولین دولتی که توانست تسهیلات لازم در این زمینه فراهم نماید ژاپون بود که موافقت کرد ماشین آلات را با قیمت ارزان و پرداخت ده تا بیست درصد نقد و بقیه بعدت ه سال در مقابل ضمانت نامه بانکی بفروشد .

بعدا کشور آلمان و سایرکشو های صاد رکننده ماشین های نساجی با شرایطی کم و بیش مشکلتر با این رویه فروش موافقت کردند و چون بانکهای داخلی تازه شروع بفعالیت کرده بودند و تهیه ضمانت نامه نیز اشکالی نداشت و متاسفانه

وزارت صنایع و معادن هم آنطوریکه باید آئین نامه های مربوط به وام را اجرا نکرد
 و اکثر کسانی که وام گرفتند واجد شرایط نبوده و تناسب سرمایه گذاری که در آئین—
 نامه وام پیش بینی شده بود مراعات نگردید .

در نتیجه اشخاص معدودی توانسته اند با سرمایه ناچیز شرکت‌های درست
 کرده و از طریق اخذ وام از دولت و گرفتن اعتباراتی از بانک‌های داخلی و استفاده از
 اعتبارات اعطائی فروشندگان ماشین آلات کارخانه‌های تاسیس نمایند که—
 سرمایه پرداخت شده آنها بهیچ وجه متناسب با حجم کار نمیباشد و هم اکنون
 تعادل پرداخت ندارند .

ولی متأسفانه در تقصی اساسی مشهود است : اول اینکه این پیشرفت منظم
 و حساب شده نبود مقدار وک و تعداد بافنده و تولید کارخانجات داخلی از لحاظ
 متنسبت به افراد کافی است ولی انواع مختلف قماش مورد نیاز مردم تأمین نگردیده
 است و این عدم تناسب خود مشکل بزرگی را در صنعت تولید کرده است .

دوم اینکه باند ازه کافی از طرف مردم سرمایه گذاری نشده است و این صنعت
 ملی که حقا بایستی در دست افراد زیادی از مردم باشد و بصورت شرکت‌های سهامی
 واقعی اداره شوند و سهام آن پایه و اساس بورس گردد در دست عمده
 معدودی افتاده است .

باید دانست که با اتخاذ تدابیر صحیح (۴) و از جمله بخشودگیهای مالیاتی - اعطای وامهای کم بهره و دراز مدت و تحدید واردات قماش موجبات تأمین و توسعه صنایع نساجی را بوسیلهٔ بخش خصوصی میتوان فراهم ساخت و در نتیجه نیاز به واردات منسوجات خارجی تقلیل خواهد پذیرفت و از خروج ارز ب میزان قابل ملاحظه ای جلوگیری خواهد شد .

.....